یک مسئول خبر داد:

۱۲ اثر نمایشی در راه بازبینی

آثار راه یافته به بخش بازبینی چهارمین جشنواره تئاتر سوره ماه اعلام شد. دبیر چهارمین جشنواره تئاتر سوره ماه با اعلام این خبر گفت: ۱۲ اثر به مرحله بازبینی جشنواره راه یافتند که سی ام ماه جاری و یکم بهمن ماه بازبینی خواهند شد.«مهدی کشمیری» با بیان این که «به سبک پروانه ها» به نویسندگی «عباس جانفدا» و کارگردانی «فاطمه وطنی»، «کاکتوس با روبان قرمز» به نویسندگی «حسین کیانی» و کارگردانی «محمد ابدال»، «لابی» به نویسندگی «آرش عباسی» و کارگردانی« یاسمن گلرخ»، «یه پلاک» به نویسندگی و کارگردانی «محمدامین دهدلی»و«اچینو»به نویسندگی«طیبه رضایی کمساری» و کارگردانی «محمد ابدال» از جمله آثار راه یافته از بجنورد به بخش بازبینی این دوره از جشنواره است، اظهارداشت: «در همسایگی بهشت»به نویسندگی «پژمان شاهوردی» و کارگردانی «زهرا ایزانلو» از شیروان، «سرودی برای مادران» به نویسندگی «حسین پناهی» و کارگردانی «محمودعباس پور» از اسفراین، «مازنده ایم» به نویسندگی «کریم عظیمی ججین» و کارگردانی «فاطمه رستمی» از آشخانه از دیگر آثار راه یافته به این بخش از جشنواره است.«مهدی کشمیری» افزود: «خنکای ختم خاطره» به نویسندگی «حمید رضا آذرنگ» و کارگردانی «سید امیرحسین جان‌نثار»، «مرگ جشن عروسک» به نویسندگی و کارگردانی «امیررضا فدایی»، «ماریا» به نویسندگی «سهیل سعادت فر» و کارگردانی «مرتضی رستمی» از بجنورد و اثر نمایشی «پشت کلانتری» به نویسندگی «علی اصغری» و کارگردانی «محمد یحیی آبادی» از اسفراین از دیگر آثاری است که مورد بازبینی قرار خواهد گرفت.وی خاطرنشان کرد: چهارمین جشنواره تئاتر جوان سوره ماه ۱۳ تا ۱۵ بهمن‌ماه سال جاری در بجنورد برگزار خواهد شد.

یادداشت

گنجینه بدون پژوهشکده اقوام

بهروز- این جا سرزمین قومیت هاست. خراسان شمالی را می گویم سرزمین اولنگ زار و چشمه،کوهستان و کویر، دشت و جنگل این جا سرزمین فرهنگ هاست. استان قومیت ها و این خرده فرهنگ ها گاه تنها و گاه در کنار هم فرهنگی را به وجود آورده اند که برای لمس و مشاهده آن باید لایه های مختلف را کنار زد، اختلاط ها را جدا کرد و آن گاه به خالص ترین شکل فرهنگ اقوام، بدون پیرایه رسید.

فرهنگ اقوام نوشته نشده و در واقع فرهنگ شفاهی است،یعنی تاریخ و فرهنگ نانوشته مردمی است که طی هزاران سال سینه به سینه و نسل به نسل منتقل شده است. خراسان شمالی نیز به دلیل وجود اقوام مختلف هم چون کرد، ترک، تات، ترکمن و فارس گنجینه ای از این فرهنگ شفاهی را در دل خود جای داده است که نشأت گرفته از بینش مردم و محیط طبیعی و جغرافیایی است. اما امروزه با گسترش شهرنشینی، فرهنگ شفاهی ما در حال فراموشی است بنابراین توجه به این مقوله و حفظ و به کار گیری آن می تواند سدی در برابر تلاش های دشمن در تهاجم فرهنگی باشد و در این میان گاه و بیگاه و در گوشه و کنار استان شاهد چاپ تحقیقات، پژوهش ها و مطالعاتی هستیم که گاه به راهی رفته اند که موازی بوده است.در این جاست که لزوم ایجاد پژوهشکده اقوام بیش از گذشته احساس می شود.

ضرورت ایجاد یک پژوهشکده به منظور حفظ فرهنگ اقوام بارها و بارها از سوی دست اندرکاران و پژوهشگران استان مطرح شده است اما متأسفانه تاکنون در این رابطه اقدام عملی دیده نشده است.صاحب نظران معتقدند حتی در بخش فرهنگ شفاهی هم اگر نگاه علمی و پژوهش ها بر مبنای یک الگوی از قبل تعیین شده باشد نتیجه بخش تر و مؤثرتر است و برای تفکیک پژوهش ها از یکدیگر راهگشاست و از بسیاری از موازی کاری و بیراهه رفتن ها جلوگیری می کند. در استان ما هم که مجموعه بزرگی از فرهنگ و قومیت ها در کنار هم جمع شده اند به مطالعه جامعه شناسان در این زمینه نیاز داریم تا با در کنار هم قرار دادن فرهنگ اقوام مختلف به بیان وجوه اشتراک و افتراق آن ها پرداخته شود و چه بهتر که برای از بین نرفتن فرهنگ ها پژوهشکده ای تأسیس شود تا آداب و رسوم، تاریخ و زبان اقوام را زنده نگه داریم. از سویی دیگر گسترش علوم و فناوری های جدید کم کم زبان رسمی جایگزین زبان های بومی و منطقه ای می شود بنابراین حفظ فرهنگ اقوام به طور علمی و آکادمیک لازم است.

بر بال خیال

بهار آورده ام

در زمستانی که بی‌هنگام آمده بود
و ابرهایی که ناغافل،
تو
بهار را به پنجره‌ام هدیه کردی
و ماه مهربان را
به دست‌هایم.
حالا کجا مانده‌ای
دوباره بیایی کنار پنجره‌ام
بگویی: سلام،
بهار آورده‌ام، نمی‌خواهی؟!

رضا کاظمی

تکرار غزل

باز هم شب شد و من ماندم و تکرار غزل
قلمی دست من افتاد به اصرار غزل
مبحث هندسه و یک ورق کاغذ و بعد
محور عشق من و چرخش پرگار غزل
یک جنون در دل من رقص کنان می کوبد
سر احساس مرا بر در و دیوار غزل
دوستت دارم و انگار مرا می سنجند
لحظه ها، ثانیه ها باز به معیار غزل
چشم تو یاد من افتاد، خودت می دانی
که کساد است در این مرحله بازار غزل
غرق روحانیت عشق تو هستم اکنون
چون که نزدیک شده لحظه افطار غزل
جمله آخر شعرم چه قشنگ است قلم
رج به رج نقش تو را بافته بر دار غزل!

محمد علی بهمنی

دست های من

از دست‌های من
جز این ثمری نیست:
گاهی ببارم
گاهی بمیرم
گاهی
اگر شد
در حیرت واژه دوست داشتن
تو را دوباره از نو بنویسم...

نیکی فیروزکوهی

خانه صنایع دستی فرزند ناتنی میراث

گروه ادب و هنر

این بار قدم در خانه ای می گذارم که چند سالی است به مأمنی برای اهالی هنر تبدیل شده است، خانه ای که هنرهایش نیز قدمتی به اندازه آن دارد؛ حسینیه جاجرمی که حالا چند سالی است خانه صنایع دستی شده و هنرمندان را دور هم جمع کرده است، این روزها از تنهایی رنج می برد و دلتنگ حضور مردم است تا با آمدن خود رونق را برای این خانه به ارمغان آورند، اما به گفته اهالی این خانه تا زمانی که رنگ حمایت بر خشت، خشت آن ننشیند، چراغ این خانه پر فروغ نخواهد شد. با این که هر کنج این خانه با هنرهای دستی این خطه عجین شده و اهالی هنر در هر گوشه آن به فعالیت مشغولند، اما تنها برای دل خود و به امید حضور در نمایشگاه ها دست به کارند و هیچ چشمداشتی نسبت به عرضه تولیدات این بازارچه ندارند.

فقر فرهنگی و هنری

«قاسمی» از هنرمندانی است که در رشته زیورآلات سنتی در این بازارچه فعالیت می کند. او از وضعیت این خانه به عنوان تنها خانه صنایع دستی استان گلایه مند و بر این باور است که این مکان فقط نامی از خانه صنایع دستی را یدک می کشد و در اینجا همیشه سکوت جاری است و گویا مردم شهر از وجود چنین فضایی بی خبر هستند. او که از غرفه دارهای قدیمی است و به گفته خودش از نخستین روزی که این بازارچه شکل گرفت در این مکان حضور دارد، می گوید: در این چند سال وقتی از این مکان به عنوان بازارچه صنایع دستی در محافل مختلف نام برده می شود، افراد از وجود چنین فضایی تعجب می کنند.او دلیل این اتفاق را کوتاهی مردم، رسانه ها و مسئولان می داند و معتقد است: تبلیغاتی که برای این مکان صورت می گیرد چندان گسترده نیست تا جایی که حتی وقتی در صدا و سیما برنامه‌ای از این فضا پخش می شود از این که این برنامه در چنین فضایی تهیه شده هیچ صحبتی نمی شود.

> این مکان فقط نامی از خانه صنایع دستی را یدک می کشد و اینجا همیشه سکوت جاری است و گویا مردم شهر از وجود چنین فضایی بی خبر هستند

وی تنها راه شناساندن این مکان را برپایی نمایشگاهی در این فضا می داند و می افزاید: هر چند بارها این پیشنهاد داده شده و مورد استقبال قرار گرفته اما اتفاقی نیفتاده است. او البته به فقر فرهنگی و هنری در این شهر اشاره می کند و معتقد است که در ابتدا باید برای رفع این مسئله گام برداشت و تا وقتی که مردم به ارزش و جایگاه هنر پی نبرند، تلاش بی فایده است.

تبلیغات اندک

«خسروی» از هنرمندان منبت کار در این خانه است که از بی مهری های مسئولان گلایه دارد و از این که تمام سفارش ها برای تولید را از تهران می گیرد سخن می گوید و متاسف است از این که حتی مسئولان از تهران خرید می کنند، در حالی که تولیدات عرضه شده از خراسان شمالی است.او به ظرفیت های خوب صنایع دستی اشاره می کند و همکاری و همیاری مسئولان را برای رونق صنایع دستی مهم می داند و از سنگ اندازی ها برای اعطای تسهیلات ابراز ناخرسندی می کند،تا جایی که هنرمند ترجیح می دهد تا فرار را بر قرار ترجیح دهد.او از این که برخی مسئولان هیچ سر رشته ای از رشته های هنری ندارند و این گونه به مدیریت می پردازند اظهار تاسف می کند در حالی که باید هدایتگر صنعتگران برای رونق بازار صنایع دستی باشند. از نگاه این هنرمند جوان استقبال کم رنگ مردم برای آموزش هنر در کنار تبلیغات کم بر مشکلات دامن زده و موجب شده است تا خانه صنایع دستی به فضایی ساکت و سرشار از ناگفته ها تبدیل شود.

بی توجهی به هنرهای دستی

«عرب خزایی» از دیگر هنرمندانی که ۸ ماه است در این مکان در زمینه سراجی سنتی فعالیت می کند، از سکوتی که در این فضا حاکم است می گوید و این که هنرمندان تنها برای ارائه آثار در نمایشگاه تولید می کنند و در این جا به سبب ناشناخته بودن فروشی در کار نیست. او که فعالیت هر روز در این مکان را مثل روز گذشته می داند، از این که اتفاقی را در این مکان شاهد نیستیم، سخن به میان می آورد و از این که به هنرهای دستی توجهی نمی شود و مردم بیشتر به تولیدات ماشینی روی می آورند و از آن ها استقبال می کنند، گلایه می کند.

او البته دلیل افزایش قیمت در هنرهای دستی را در این بخش علاوه بر ارزش و اهمیت آن، تامین کردن مواد اولیه از دیگر استان ها می داند.

البته در این میان «رفاه کار» که به تولید و آموزش بافته های سنتی در این مکان مشغول است، نظری متفاوت با دیگر غرفه داران این خانه دارد.

او از نو بودن و نبود هنر ظریف کاری در سطح شهر می گوید و این عامل را دلیل رونق غرفه اش می داند و البته رونق فعالیت هایش را دوره ای و منوط به چند ماه خاص سال عنوان می کند.

«جعفری» که مسئولیت فروشگاه صنایع دستی در این خانه را بر عهده دارد، با این که به عرضه تولیدات هنرمندان دیگر علاوه بر هنرمندان این خانه می پردازد، می گوید: هر چند تولیداتی که در این مکان عرضه می شود، به فروش می رسد اما به اندازه ای که انتظار می رود نیست و دلیل آن هم ناشناخته ماندن این فضاست.

او معتقد است: از آن جایی که تولیدات این فضا بسیار متنوع و برگرفته از اصول و قوانین هنرهای دستی است اما به واسطه تبلیغات اندک چندان مورد توجه قرار نگرفته است.او که ۲ سال است در خانه صنایع دستی به فعالیت می پردازد بر تبلیغات گسترده برای این فضا تاکید می کند و پرداختن به این مسئله را راهگشا می داند.

پویایی خانه با صنعتگران

در این میان معاون صنایع دستی اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری خراسان شمالی به فعالیت خانه صنایع دستی از سال ۹۱ اشاره می کند و بر این مسئله که به صنعتگران گفته شده است هر زمانی که می خواهند فضایی را در این مکان در اختیار آن ها برای عرضه آثار قرار می دهیم، تاکید می کند.

«عابدی» با بیان این که تمامی رشته های هنری می توانند از این فضا برای نمایشگاه بهره ببرند و محدودیتی وجود ندارد، می گوید: با توجه به این که قراردادهای یکساله با هنرمندان بسته شده است اگر متقاضی جدیدی وجود داشته باشد، باید منتظر بماند تا هنرمند زمان قراردادش به اتمام برسد.وی ادامه می دهد: نظر ما بر این است که خانه صنایع دستی را صنعتگران باید پویا و فعال کنند و از حضور همه هنرمندان در این فضا استقبال و زیرساخت ها و اقدامات اولیه را برای هنرمندان مهیا می کنیم اما این که بخواهیم برای نمایشگاه ویترین هایی را در اختیار هنرمندان قرار دهیم امکان پذیر نیست.

امثال الحکم

چیا نا گِیه چیان آیَم دَگینه هَو

گروه ادب و هنر - ضرب المثل آیینه اندیشه ها و تجربیات گذشتگان است و دانش و حکمت های آن ها را به ما منتقل می کند. در این شماره به یکی دیگر از مثل هایی که بین کرمانج ها رایج است از زبان «فرامرز نورمحمدزاده» پژوهشگر فرهنگ عامه می پردازیم.

وی با بیان این که ضرب المثل « چیا نا گِیه چیان آیَم دَگینه هَو» به معنی این است که «کوه به کوه نمی رسد، آدم به آدم می رسد»، می گوید: این مثل در مورد افرادی به کار می رود که در قبال کاری که انجام می دهند انتظاراتی از طرف مقابل دارند که برآورده نمی شود.

د ا س ت ان

کالسکه

امروز سوار یک ماشین شاسی بلند شدم و با آن کلی دور زدم؛ چون دست فرمانم خوب نیست خود مامان رانندگی می کرد. حیف که رویش سیستم نصب نکرده اند، وگرنه خیلی بیشتر حال می داد. مامان می گوید اسمش کالسکه است. بزرگ که شدم دوست دارم در مسابقات رانندگی کالسکه سواری شرکت کنم تا اگر اول شدم یک چیز خوب جایزه بگیرم. آن وقت کالسکه را می دهم به بچه ام و با پول جایزه ام برای او یک مامان مهربان می خرم تا کالسکه اش را براند.

مهرداد صدقی- مجموعه مغز نوشته های یک نوزاد

قاصدک

یک مسئول خبر داد:

نامتناسب بودن ۵۰ درصد منابع کتابخانه ای

۵۰ درصد منابع کتابخانه ای کانون های مساجد استان با نیاز مخاطبان متناسب نیست. مسئول دبیرخانه کانون های فرهنگی و هنری مساجد خراسان شمالی با اعلام این خبر به خبرنگار ما گفت: ۲۴۷ هزار و ۵۷۶ جلد کتاب در ۳۴۱ باب کتابخانه کانون های فرهنگی و هنری مساجد استان وجود دارد که ۵۰ درصد آن با نیاز مخاطبان متناسب نیست.

«شیرازیان» افزود: با وجود این که بارها پیشنهاد داده شده است تا منابع مورد نیاز توسط کتابداران و از نمایشگاه ها تهیه شود اما این اتفاق نیفتاده است.

کارگاه های آموزش عکاسی

کارگاه های آموزش عکاسی برگزار می شود.مسئول انجمن عکس سازمان بسیج هنرمندان خراسان شمالی با بیان این که ۸ کارگاه تخصصی آموزشی در بخش های مختلف مستند اجتماعی و ادیت عکس برگزار می شود، اظهارداشت: این کارگاه ها با بهره گیری از ظرفیت هنرمندان استان «داریوش اورانوس بخت» و «امید شکری» به صورت تئوری و عملی برگزار می شود.

«حسن نیا» خاطرنشان کرد: ۶۰ نفر برای شرکت در این کارگاه ها که از اول بهمن ماه در ۸ جلسه برگزار می شود، ثبت نام کردند.

سرپرست معاونت فرهنگی:

آثار مولفان و ناشران خریداری می شود

آثار مولفان و ناشران استان خریداری می شود. سرپرست معاونت فرهنگی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان شمالی با اعلام این خبر به خبرنگار ما گفت: در راستای حمایت از ناشران و مولفان استان، مولفان تا ۱۵ بهمن ماه فرصت دارند تا یک یا ۲ نسخه از کتاب خود را به این اداره کل ارسال کنند که پس از بررسی در کمیته خرید کتاب، نسبت به خرید آثار اقدام خواهد شد.
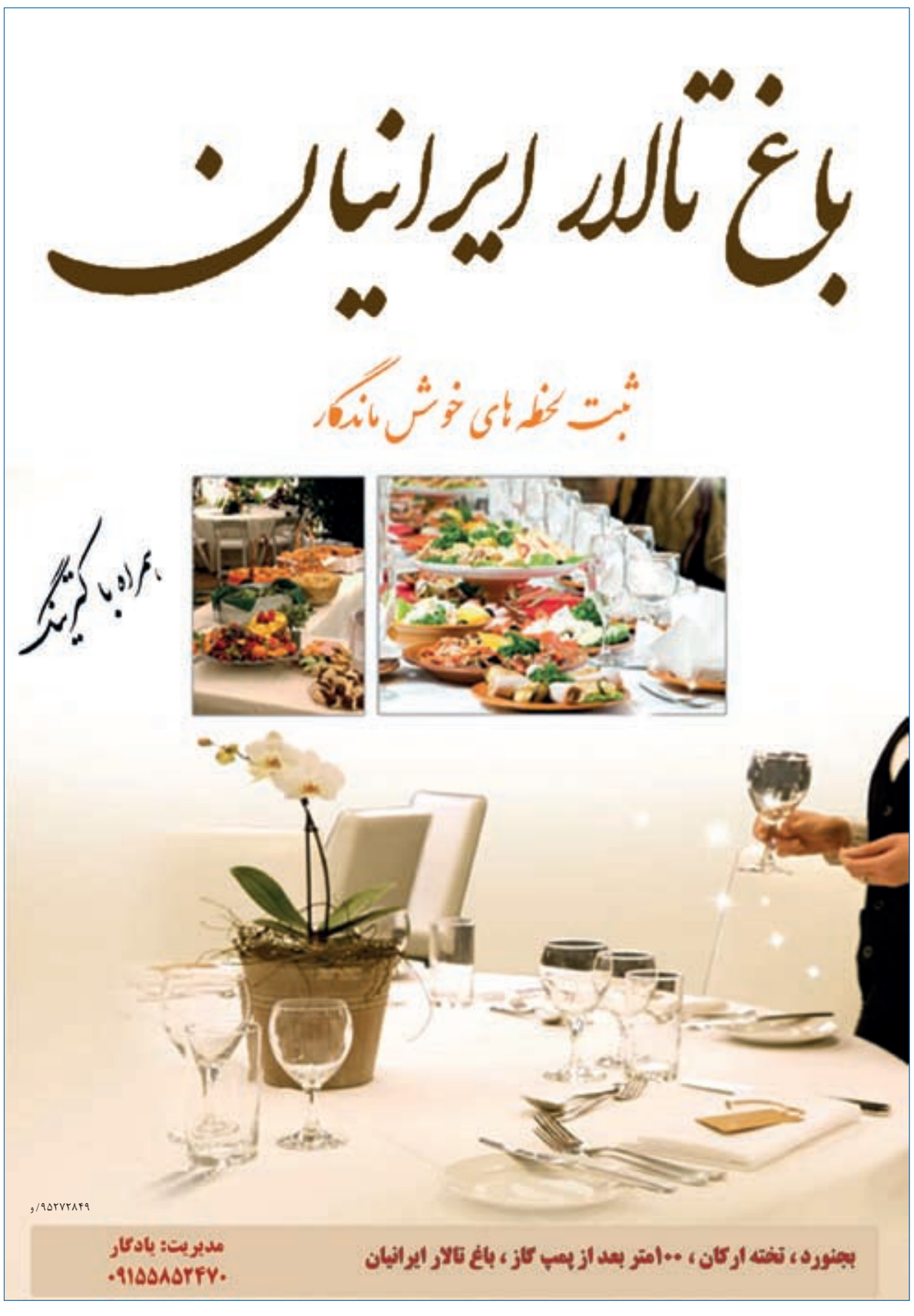
«رضا رضایی» اضافه کرد: سقف خرید کتاب ۶۰ میلیون تومان است و آثار خریداری شده به کتابخانه های عمومی، مساجد، مدارس و سازمان ها اهدا خواهد شد.